

چهارمیان مردمیتند چهارمیان

جوانی کردن در گفت و گو با جوان ترین شاگرد دکتر چمران
■ سایه ساروی

اشاره

هیام عطوی از اولین نیروهای پیوسته به جنبش امل است که در ۱۳ سالگی عضو این جنبش شد و در ۱۵ سالگی جوان ترین شاگرد دکتر چمران در جیل عامل بود. وقتی برای تعیین وقت گفت و گو با او صحبت کردیم، تازه از لبنان و از ملاقات با مادر بیمار خود بازگشته بود. با این حال با روی خوش وقتی برای مصاحبه تعیین کرد. هنگامی که به منزل شان رفتیم، شخصاً با رویی گشاده از ما استقبال کرد. نکته جالب این جاست که تازه زمانی که با خرما و شیرینی عزا از ما پذیرایی کرد، متوجه شدیم هیام عطوی سه روز است عزادار از دست دادن مادر بزرگوار خود است. هیام نه تنها این گفت و گو را به خاطر داغ مادر به وقتی دیگر موکول نکرد، بلکه زمانی که خواهران و برادرانش از لبنان برای تسلیت تماس می گرفتند، به راحتی به دخترش می گفت بگوئید مهمان دارم و بعداً صحبت می کنیم.

در طول گفت و گو هر زمان درباره ی شهید چمران سؤال شد از لحن شورانگیزش با تمام وجود باور می کردی که او چمران را زنده و حاضر می داند.



موسی صدر به لبنان آمد، این‌جا ماند و برای بچه‌های جنوب کار کرد. در آن شرایط من از نزدیکان خود درباره‌ی ایشان می‌شنیدم و این که جمعه بعد از ظهرها کلاس دارند. من برای اولین بار در این کلاس‌ها شرکت کردم و با مردی روبه‌رو شدم که با لهجه‌ی شیرین فارسی لبنانی، «تفضل» گفت و من را به جلسه دعوت کرد. من در این جلسات و در آن موسسه با دیدگاه‌های دکتر و همسر بزرگوارشان خانم غاده آشنا شدم؛ دکتر نیز با «چرا»های درگیر ذهن من آشنا شده و در مقام پاسخگویی برآمدند. در واقع من ثمره‌ی کوچکی از مبارزات دکتر در جنوب لبنان هستم که می‌توانید در میان بزرگان مبارزه امروز لبنان از سید حسن نصرالله تا خیلی از مجاهدین دیگر، شاگردان دکتر را ببینید.

با توجه به این که جوان‌ترین فرد گروه بودید، از طرف اعضای گروه با شما چه برخوردی می‌شد؟

اعضای گروه در ابتدا من را و حضورم را قبول نداشتند و می‌گفتند که این کوچک است و بارها به من یادداشت می‌دادند که از جلسه‌ی بعد در جلسات حاضر نشو و این باعث می‌شد که من نیایم.

برخورد دکتر با این مسئله و با شخص شما چگونه بود؟

دکتر وقتی از طریق خانمشان مطلع می‌شدند که دوستان به دلیل کمی سن به من گفته‌اند که دیگر به جلسه نیایم، پیغام می‌دادند که به جلسه بیا و بعد با من به گرمی برخورد می‌کردند و خواهان ادامه‌ی حضور من در جلسه می‌شدند.

با توجه به کمی سن، دکتر چه تکلیفی بر عهده شما گذاشتند؟

ما کلاً پنج دختر بودیم. دکتر به ما مسئولیت هم می‌دادند و ما از این روستا به آن روستا رفته و مأموریت‌های خطرناکی هم انجام می‌دادیم و به خواست ایشان در جهت آگاهی مردم فعالیت می‌کردیم.

چه چیز شما را طی آن سال‌ها و با وجود آن همه تهدید و سختی، کنار دکتر چمران و گروهشان نگاه داشت؟

دکتر مصطفی با برخوردهای خوششان، موفق شدند که سال‌ها جوانان جنوب را در گروه خود حفظ کنند و آنها را برای مبارزه آماده نمایند. لبنان دارای جامعه‌ی بسیار باز و خطرناکی بوده و هست. در جامعه‌ی باز و خطرناک آن زمان لبنان، موسسه و خصوصاً چمران کاری می‌کردند که جوان شیعه لبنانی رها نباشد. جذب جوانان لبنان در آن جامعه خطرناک و وحشتناک، بسیار مشکل بود. اما چمران با برخورد خوب و کاری که روی جوانان انجام می‌داد در این مهم بسیار موفق بود.

گفته شده که در کنار دکتر از همه اقشار جوانان آن روز لبنان حضور داشتند و جذب ایشان شده بودند. علت موفقیت دکتر را در چه چیز می‌دانید؟

خدمت شما گفتم. دکتر بسیار خوب برخورد می‌کرد. گاهی بودند جوانانی که از دید دیگران منحرف بودند و از منظر آنان نباید اینان در این جلسات شرکت می‌کردند. اما دکتر آنان را جذب می‌کرد و با آنان خوب صحبت می‌کرد و دیگران را نیز تشویق به برخورد خوب می‌کرد و وقتی از آنان بی‌خبر بودند خود به سراغ آنان می‌رفتند و بعد از مدتی آن جوان تبدیل می‌شد به یکی از بهترین افراد گروه. دکتر می‌گفت باید به هر قیمتی جوانان را از دام آنان و از آن گروه‌ها خارج کرد. زمانی در پاسخ فردی که یکی از اینها را منحرف خواند، دکتر فرمود: هنوز ولایت امیرالمؤمنان در دلشان است. ارشادشان کنید. بارها شده بود که از گروه خودمان می‌آمدند و به دکتر می‌گفتند بچه‌های فلان گروه روی ما اسلحه کشیدند، باید با آنان درگیر شد. دکتر می‌گفت نه. درگیر نشوید. آنان بچه‌های خودمان در گروه‌های دیگر هستند. گروه‌های فاسد چپ. باید آنان را جذب کرد و ما امروز می‌بینیم که بر اثر برخورد خوب دکتر آنان جذب شده و بسیاری از آنان در جنگ ۳۳ روزه بر علیه اسرائیل جنگیدند. دکتر بر روی فطرت آنان کار می‌کرد.

از کودکی تان و از زمانی که هنوز با شهید چمران آشنا نشده بودید شروع کنیم:

بنده هم خدمت شما و خوانندگان گرامی دیدار سلام عرض می‌کنم و از تلاش‌هایی که در گسترش ارزش‌های دینی به جوانان انجام می‌دهید سپاسگزاری می‌کنم. کودکی من در جنوب لبنان مصادف بود با مسئله «توطین» - اسکان آوارگان فلسطینی در جنوب لبنان - و دغدغه‌ی این نکته در میان مردم جنوب لبنان. آن زمان دوران ظلمت مطلق و ضعف مطلق بود. گروه‌های عربی در آن منطقه بیداد می‌کردند و خب به نوعی جنوب لبنان مرکز گروه‌های مختلف سیاسی کشورهای مختلف عربی بود و آن کشورها هر کدام اقلاً دو گروه در جنوب داشتند. اموال زیادی صرف این گروه‌ها می‌شد تا جوانان بی‌کار لبنانی که دغدغه کار داشتند را جذب نمایند. و جوانان ما برای اندکی حقوق و یا اسلحه‌ای که بتوانند اقلاً حافظ ناموس خود در آن شرایط باشند جذب این گروه‌ها می‌شدند. به دنبال جذب جوانان توسط این گروه‌ها، فرآیند بی‌هویت کردن و سرگرم نمودن آنان توسط گروه‌ها انجام می‌شد تا از مبارزه و حتی فکر مبارزه فاصله بگیرند. و در کنار تمام اینها مسئله توطین بود. طرح اسکان تمام آوارگان مختلف فلسطینی در جنوب لبنان توسط اسرائیل ارائه شده بود. من از هفت سالگی برایم سوالات مختلف وجود داشت و این که «چرا؟!». چرا باید به جای این که وطن فلسطینیان را به آنان باز پس دهند، وطن ما شیعیان لبنان را هم غصب کنند. چرا به جای این که ما مبارزه کنیم و فلسطین را آزاد نماییم به مسئله توطین تن می‌دهیم. من با این دغدغه‌ها بزرگ شدم. شاید بتوان گفت یکی از دلایل دزدیدن امام موسی صدر همین مسئله توطین بود. ایشان مخالف این مطلب بود و می‌گفت چرا باید این کار انجام شود؟ مردم این منطقه کجا بروند؟ و آنان با بی‌شرمی می‌گفتند: به دریا بروند؛ یعنی بمیرند. و امام موسی صدر با این دیدگاه و با مسئله توطین مبارزه می‌کردند.

با دکتر چمران و اهداف ایشان چگونه آشنا شدید؟

در آن زمان و شرایط بی‌هویی که در جنوب حاکم بود و به هیچ عنوان ما را به رسمیت نمی‌شناختند، امام موسی صدر آمدند و مرکزی را تأسیس نمودند که محل جذب جوانان و کودکان مستضعف لبنانی بود. بچه‌های شیعه لبنانی در این مرکز رشد نموده و با تعالیم انسان‌ساز این مرکز بزرگ می‌شدند، اعتماد به نفس گرفته و آماده می‌شدند برای این که روی پای خود ایستاده و اسرائیل را به هیچ حساب نکنند. دکتر مصطفی یکی از فعالین این موسسه بود که بعد از آن که برای ملاقات امام

به دنبال جذب جوانان توسط این گروه‌ها، فرآیند بی‌هویت کردن و سرگرم نمودن آنان توسط گروه‌ها انجام می‌شد تا از مبارزه و حتی فکر مبارزه فاصله بگیرند

مبارزات دکتر در جنوب لبنان هستم که می‌توانید در میان بزرگان مبارزه امروز لبنان از سید حسن نصرالله تا خیلی از مجاهدین دیگر، شاگردان دکتر را ببینید

